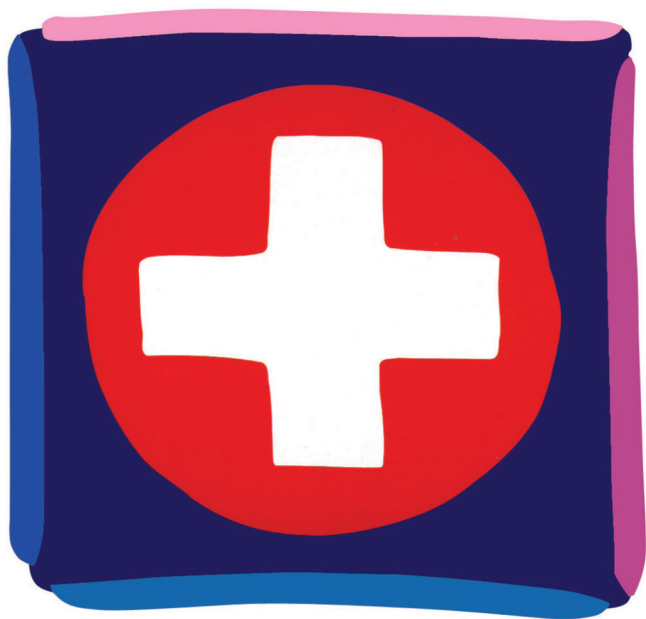


اولف اکمن



خدا می خواهد  
همه را شفا دهد

# خدا می خواهد همه را شفا دهد

اولف اکمن

۲۰۰۷

## خدا می خواهد همه را شفا دهد

"ای عزیز، دعایم این است که از هر جهت کامیاب باشی و در تندرستی به سربری، هم چنان که جان ات نیز کامیاب است."  
سوم یوحنا آیه ی ۲

این سلامی است که یوحنا به برادران گایوس می فرستد، اما چون این کتاب از طرف خدا داده شده، در نتیجه سلامی است از طرف روح القدس برای تو. به همین شکل نامه ای که پولس رسول برای ایمان داران افسسیان یا قرنتیان نوشت، برای آن ها و همه ی کسانی بود که آن را می خوانند. در نتیجه خدا با این روش با تو نیز صحبت می کند.

او می گوید: "من آرزو می کنم"، نمی گوید که تنها امیدوار است، بلکه واقعا آرزو می کند که روزگار بر وفق مراد تو بوده و از سلامتی کامل برخوردار باشی. دنباله ی این آیه می گوید: "و هم چنان که جان ات نیز کامیاب است."

انسان دارای روح، جان و بدن است. (اول تسالونیکیان ۵ : ۲۳)  
زمانی که روح ات تولد تازه پیدا کرد، تو در یگانگی با خدا تولد تازه پیدا می کنی، از طریق عیسای مسیح و روح القدس، سلامتی داخل روح تو شده و بر جان ات اثر می گذارد، چون این عمل در روح تو انجام می شود کم کم در جان ات نیز اثر گذاشته و جان ات با کلام خدا یکی می شود، آن وقت است که تو سلامتی را در

بدن ات احساس می کنی. حال پرسش این است : آیا خدا می خواهد همه را شفا دهد؟ آیا واقعا لازم است که همه شفا پیدا کنند؟ در جواب پرسشی مطرح می کنیم، آیا همه باید نجات پیدا کنند؟ خیر، چنین نیست که همه باید نجات یابند، اما خدا می خواهد که همه را نجات دهد. (اول تیموتائوس ۲: ۴) سوال می شود، آیا همه بایستی به زبان ها صحبت کنند؟ نه، هیچ کس مجبور نیست به زبان ها صحبت کند اما خدا می خواهد تو از روح القدس پر بوده و به زبان ها صحبت کنی. در یوحنا ۷ : ۳۷-۳۹ سوال می شود آیا همه باید سالم و سلامت باشند؟ نه، اما خدا می خواهد که تو از سلامتی کامل برخوردار باشی.

## کلام خدا در برابر تجربیات

هنگامی که چنین پرسشی مطرح می شود لازم است این مسئله ی مهم را در نظر داشته باشیم که انجیل در این باره چه می گوید، نه تجربیات شخصی ما. اگر تجربیات و دیدگاه تو مثبت نیستند، پس بایستی آن ها را کنار گذاشته و فراموش کنی و تمام پرسش های پاسخ نیافته ی خود را نیز به فراموشی بسپاری و ببینی خدا در این مورد در کلام اش چه می گوید.

تو در تجربیات ات دیده ای که همه پیش از مرگ شفا نیافته اند و به آسمان نزد عیسای مسیح رفتند. شاید راجع به این

افراد پرسشی برایت مطرح شده: "زنی که این قدر خوب بوده و کارهای زیادی هم برای خداوند انجام داده بود، در تمام زندگی اش مریض بود، به هر شهری که می رفت برای بیداری آن شهر دعا می کرد، پس چرا او شفا پیدا نکرد و حال اش خوب نشد؟"

مطمئن نباش که خدا جواب این پرسش ات را بدهد چون روح القدس، شخصیتی متین است و به تو اجازه نخواهد داد که به زندگی خصوصی دیگران نگاه کنی؛ از قبیل این که چه می گویند؟ چه فکرمی کنند و یا چه کاری انجام می دهند؟

این بدان معنا نیست که در مورد دیگران شک کنیم بلکه تنها برای این که متوجه باشیم که ما در مورد دیگران چیز زیادی نمی دانیم و همیشه هم نمی توانیم در مورد دیگران و آن چه که در زندگی شان اتفاق می افتد، داوری کنیم.

هنگامی که تو می گویی، پس فلان شخص چه طور؟ دقیقا مانند پطرس که در مورد یوحنا سوال می کند (یوحنا ۲۱:۲۱-۲۲) عیسا جواب می دهد: "چه ارتباطی به تو دارد؟ تو به دنبال من بیا! من به فکر دیگران هستم."

پرسش این جاست، آیا من اجازه دارم کمک ات کنم و آیا تو به سخنان من که در مورد زندگی تو است، گوش خواهی داد؟

تو نمی توانی تمام تجربیات شخصی خودت را به عنوان یک دلیل - چه مثبت یا منفی - در مقابل خود گرفته و بگویی: این

گونه یا آن گونه نیست. این نکته بسیار مهم است که تو باید تجربیات خود را تسلیم چیزی که خدا در کلام خود می گوید، بنمایی.

## شفا می تواند به شیوه های گوناگون صورت گیرد

امروزه شفا به شکل های گوناگون انجام می گیرد. بسیاری اوقات ما فکر کرده ایم که شفا تنها به عنوان یک هدیه از طرف خدا به ما داده می شود. می گویی اگر من از طریق این هدیه ی روحانی شفا پیدا نکنم، دیگر شفا نخواهم یافت، و بدین وسیله مانع روح القدس می شوی که می خواهد نزدیک تو شده و نیاز تو را برطرف کند. خدا در وعده هایی که در کلام اش داده، شفا را برای تو مهیا کرده است. (اشعیا ۵۳: ۴-۵، متا ۸: ۱۶-۱۷، عبرانیان ۹: ۱۱-۱۵) هنگامی که تو چنین کلامی را در قلب ات می کاری، این امکان به وجود می آید که از طریق راه های گوناگونی که هرگز فکرش را نمی کردی، بر پایه ی کلام خدا، شفا را دریافت کنی. خدا هم چنین از راه هدایای روحانی و معجزات شفا می دهد. شفا می تواند به شکل آنی یا در درازمدت صورت گیرد. ممکن است سال ها طول بکشد تا شفا ظاهر گردد، اما انجام خواهد شد. خدا از طریق مراسم شام آخر یا هنگامی که با روغن مسح می شوی و یا از طریق دست بر روی سر گذاشتن و یا دعا بر روی پارچه و دعای

توام با ایمان شفا می دهد. راه ها و کانال های بسیاری وجود دارد که از طریق آن شفا می تواند انجام شود، اما ما نمی توانیم انتخاب کنیم که شفا فوری یا مدت دار به دست آید. چیزی که ما انتخاب می کنیم، قبول شفا است؛ همین و بس!

## تو هم وظایفی داری

باید بدانی که تو هم نقشی در این امر داری، ما همیشه می خواهیم از وظایف خود شانه خالی کرده و آن را به دوش دیگران بگذاریم. هنگامی که کسی دست روی ما گذاشته و برای ما دعا می کند و از قضا اثری از شفا دیده نمی شود، آن وقت می گوییم: "در دست های او هیچ قدرتی وجود نداشت." اما به این شکل نیست؛ بلکه حتا اگر مسیح خداوند با تمام قدرت شفا دهنده ی خود بر ما بیاید، در این صورت نیز ما باید آن را با ایمان قبول کنیم تا بتوانیم آن را دریافت نماییم. زمانی که خداوند تو را مسح می کند، تو بایستی آن را در قلب ات بگیری و بدانی که "همین لحظه این قدرت شفابخش خداوند برای من است، من در ایمان آن را قبول می کنم و این قدرت را تأیید می نمایم، و از این لحظه من شفا پیدا کرده ام. ظهور آن حال یا هر لحظه ی دیگر ممکن است به وقوع بپیوندد و من این را با ایمان دریافت می کنم."

تو خود یک نقش مهم در مورد دریافت معجزه داری، حتا اگر معجزات و هدایای روحانی در اطراف تو رخ دهد. به خاطر ندانستن این امر بیش تر افراد شفا را حتا زمانی که قدرت خداوند برایشان در محل کاملاً آشکار بوده، از دست داده اند. آن ها شفا را کاملاً و خیلی محکم احساس کرده اند، اما پس از چند روز بر اثر فشارهای گوناگون زندگی، درد و نشانه های بیماری دوباره ظهور کرده و آن احساس پیشین دوباره آشکار می شود. اگر تو به چیزی که احساس می کنی، بیش از کاری که خدا برای تو انجام داده تکیه کنی، شیطان می تواند خیلی راحت تو را گول زده و چیزی را که خدا به تو داده، بگیرد.

## تو باید خواست خدا را بدانی

هنگامی که می خواهی از عیسا شفا بگیری، باید به روشنی بدانی که خدا می خواهد همه را شفا دهد اگر ما بگوییم که خدا می خواهد فقط ۸۳٪ از مریض ها را شفا دهد، فکر می کنی شیطان چه خواهد گفت؟ طبیعتاً می گوید تو به باقی مانده ی این درصد تعلق داری و خدا برای بقیه ی آن ۸۳٪ برنامه ی دیگری دارد. اگر تو به آن چه شیطان می گوید، ایمان داشته باشی آن وقت به تو خواهد گفت که باید از وضعی که داری راضی و خوشحال باشی. اگر تو واقعاً ایمان داشته باشی که به بقیه ی آن



گروه که شفا پیدا نمی کنند تعلق داری، در نتیجه نمی دانی که شفای خداوند به تو تعلق دارد. مگر نه!

کتاب آسمانی می گوید هنگامی که دعا می کنیم، باید بدون شک و باایمان دعا کنیم؛ ما نباید مانند موج های دریا باشیم که به این طرف و آن طرف پرتاب می شوند. "اما با ایمان درخواست کند و هیچ تردید به خود را ندهد، زیرا کسی که تردید دارد، چون موج دریاست که با وزش باد به هر سو رانده می شود. چنین کس نپندارد که از خداوند چیزی خواهد یافت." (یعقوب ا: ۶-۷)

شیطان می خواهد تو را در موقعیتی قرار دهد که نتوانی از خداوند چیزی دریافت کنی. او در رابطه با خواست خدا در وجودت شک و تردید به وجود می آورد. از طریق شک و تردید، تو به جلو و عقب کشیده می شوی و می گویی: "شاید خواست خدا باشد و شاید هم خواست خدا نیست." او تو را مانند توپ به این طرف و آن طرف پرتاب می کند و می گوید:

"اگر خواست خدا بود، تو می بایست تغییری می دیدی، تو هیچ احساسی نداری، در نتیجه نمی تواند خواست خدا باشد. تو باید این وضعیت را قبول کنی."

اگر تو افکار خود را با کلام خدا تازه نکرده باشی تا بدانی که خواست خدا چیست، آن وقت شیطان می آید و چیزی را که عیسا برای آن جان خود را از دست داد - یعنی زندگی بخشیدن به تو -

را از تو می دزدد. من نمی گویم که اگر شفای تو ظاهر نشده، بدین معناست که اشکالی در تو وجود دارد! این چیزی است که شیطان می گوید. او می خواهد مردم را متهم کند. ما از این که خواست خدا برای تو چیست، صحبت می کنیم. سپس روح القدس تو را رهبری می کند تا خواست خدا در زندگی تو تبدیل به یک واقعیت گردد و در این جا "هیچ اتهامی برای کسانی که در عیسای مسیح هستند، وجود ندارد." (رومیان ۸:۱) تو باید بدانی خواست خدا برای تو چیست تا بتوانی هدیه ی او را که برای توست، دریافت کنی. اگرخواست خدا را ندانی، آن وقت هرگز نخواهی توانست هدیه ی او را قبول کنی. چیزی را که مال تو بوده و شیطان با فریب از تو ربوده، به نزدت باز نمی گردد. اما با این حال خدا تو را دوست دارد و آن چه را که او می خواهد این است که چیزی که عیسا برایش مرد، در وجود تو جاری شود.

## ریشه ی بیماری

برای این که بدانیم خواست خداست که همه شفا پیدا کنند، در واقع باید ببینیم که بیماری از کجا آمده است؟ اگر خدا ریشه و سرچشمه ی آن باشد، پس زمانی که ما دعا می کنیم خدا بیماری را از ما دور کند، در حقیقت مرتکب گناه شده ایم! کلام خدا می گوید: "هر چیزی که از جانب اوست، نیکوست" (یعقوب ۱: ۱۷)

هر چیزی که از جانب خدا می آید، نیکو و با برکت است. حال که ما بیماری را از جانب خدا پنداشته ایم، اگر از او تقاضا کنیم که این را از ما دور کند، از خواست خدا دور شده ایم و این را هیچ کس نمی خواهد.

عیسا مطمئناً می داند که بیماری از کجا آمده است، در لوقا ۱۳ می خوانیم که عیسا دست اش را روی زنی که مدت ۱۸ سال در زیر فشار بیماری گرفتار بوده، می گذارد و به آن زن می گوید: "ای زن، تو از بند این بیماری آزاد گشته ای" فریسیان با دیدن شفای زن توسط عیسا عصبانی شدند. ولی عیسا می گوید: عجیب نیست که شیطان این زن را که یکی از "دختران ابراهیم" و قسمتی از وعده ی خداوند به ابراهیم است، در بند بیماری گرفتار کرده. بدین وسیله عیسا می گوید که بیماری از شیطان است. در اعمال رسولان ۱۰: ۳۸ نوشته شده که "عیسای ناصری به هر جا که می رفت اعمال نیک انجام می داد و همه ی کسانی را که در اسارت شیطان بودند رهایی می بخشید."

در لوقا ۴ می گوید که چگونه عیسا یک روح پلید را از کنیسه بیرون می کند و چه طور به تب نهیب می دهد تا مادر زن پطرس را رها کند. چرا؟ زیرا که هر دو مورد از یک سرچشمه هستند! به خاطر این که عیسا می داند که سرچشمه ی بیماری از کجاست. او

در مقابل اش می ایستد و مادر زن پطرس را از تب آزاد می کند؛ چنان که او شفا پیدا می کند.

شما می دانید پس از این که او شفا یافت، چه کرد! بله، او به عیسا خدمت می کند. خداوند می خواهد همین کار را با تو انجام دهد. زمانی که تو را شفا می دهد، تو را چنان بلند می کند تا بتوانی او را بهتر از زمانی که مریض بودی، خدمت کنی. هرگز این دروغ را که از جانب شیطان است قبول نکن که می گوید: "اگر مریض باشی می توانی خدا را بهتر خدمت کنی." بدان که چنین نخواهد بود. البته خدا می تواند از تو استفاده کند، چیزی که او در کلام اش گفته است معتبر می باشد. خداوند می خواهد تو را از جای ات بلند کند؛ به گونه ای که بتوانی عیسا را خدمت کنی. شاید بگویی: "مگر عیسا در مورد بیماری، از جلال دادن خدا صحبت نمی کند؟" مگر بیماری ایلعازر برای جلال خدا بود؟ (یوحنا ۱۱: ۴)

بله، اما بقیه اش را هم بخوان. چه چیزی بود که در آن جا به خدا جلال می داد؟ شفای او و برخاستن او از میان مردگان، این چیزی است که به خدا جلال می دهد نه خود بیماری.

## عیسا، خواست خدا را به ما نشان می دهد

هنگامی که نخستین بشر در مقابل خدا تخلف کرد، گناه و بیماری وارد دنیا شد. در رومیان ۵: ۱۲ می گوید: از طریق گناه، مرگ وارد زندگی انسان ها شد. انسان چه طور می میرد؟ بله، از طریق بیماری. پیش از نخستین گناه هیچ بیماری وجود نداشت. از طریق گناه، لعنت بر آفرینش آمد و بیماری وارد دنیا شد. اما آن جا که گناه فراوان است، بخشش و فیض بیش تری هم از طریق عیسا مسیح جاری می شود.

وقتی که عیسا آمد چه اتفاقی افتاد؟ او اراده و خواست خدا را نشان داد. او از طریق زندگی خود نشان داد که پدر چه چیزی را می خواهد به دنیا بگوید. عیسا آمد تا کارهای شیطان را نابود کند. عیسا برای نابودی کارهای شیطان چه کرد؟ او بیماران را شفا داد و می دهد.

او می گوید: من نمی توانم از خود کاری انجام دهم مگر آن چه پدر انجام می دهد. (یوحنا ۵: ۱۹) او خواست خود را انجام نداد بلکه آن چه را که خواست پدر بود، انجام می داد.

چه چیزی بود که عیسا در پدر می دید و انجام می داد؟ او می دید هر جا که پدر می رود، بیماران را شفا می دهد و این را در روح می دید، و این طور می گوید: "ای خدا، من برای این آمده ام

که اراده ی تو را انجام دهم. تو یک بدن برای من مهیا کردی که وقتی به زمین می روم، اراده ی تو را انجام دهم." (یوحنا ۶: ۳۸)

"روح خداوند بر من است، زیرا مرا مسح کرده تا فقیران را بشارت دهم و مرا فرستاده تا رهایی را به اسیران و بینایی را به نابینایان اعلام کنم، و ستمدیدگان را رهایی بخشم، و سال لطف خداوند را اعلام نمایم." (لوقا ۴: ۱۸-۱۹)

قانون قدیم می گفت هر شخصی می بایست هر پنجاه سال یک بار اسیران و زندانیان خود را آزاد کند، یعنی این که گناه کاران در بند و مریضان مشقت کشیده، می بایست از بندهای خود آزاد شوند. وقتی که یحیای تعمیردهنده پیام خود را به وسیله ی شاگردان اش فرستاد تا از عیسا بپرسد که آیا او حقیقتا همان شخصی است که می بایست می آمد، عیسا چنین جواب داد:

"بروید و آن چه می بینید و می شنوید به یحیا بازگوید، که کوران بینا می شوند، لنگان راه می روند، جذامیان پاک می گردند، کران شنوا می شوند، مردگان زنده می گردند و به فقیران بشارت داده می شود. خوشا به حال کسی که به سبب من نلغزد." (متا ۱۱: ۴-۵)

این پیغام انجیل است. این خواست خدا برای دنیاست.

## به عیسا نگاه کن!

ولی چه طور می توانیم مطمئن باشیم که خدا واقعا می خواهد همه را شفا دهد؟ بله، از طریق نگاه کردن به زندگی عیسا، به این معنا که ببینیم عیسا واقعا کیست. ما می بایست از روح القدس بخواهیم تا برای ما آشکار کند که عیسا واقعا کیست، چه کار می کند و چه محبت بی تصویری و چه فروتنی و قدرتی از طریق او جاری است؛ او که پسر انسان و پسر خدا است.

"و چگونه خدا عیسی ناصری را با روح القدس و قدرت لمس کرد، به گونه ای که همه جا می گشت و کارهای نیکو می کرد و همه ی آنان را که زیر ستم ابلیس بودند، شفامی داد، از آن رو که خدا با او بود." (اعمال رسولان ۱۰: ۳۸)

نه تنها یک عده ی معدود را بلکه همه ی کسانی که نزد او می آمدند، شفا می داد. (متا ۸: ۱۶، لوقا ۴: ۴۰، متا ۱۲: ۱۵)

همان عیسا امروز هم همان گونه عمل می کند؛ او دقیقا همان طور است. ملاکی می گوید که خدا تغییرناپذیر است. (ملاکی ۳: ۶) نام او و شخصیتش تغییرناپذیر است. هیچ دگرگونی در او وجود ندارد، نه توسط تاریکی و نه روشنایی. او تا ابدیت چنین خواهد بود. همان قدرت و درخشش که در کوه سینا از او ساطع می شد، بر زمین نیز از او ساطع می شود و همان قدرت، امروز در بدن او کار می کند زیرا که او برای همیشه این چنین است.

اگر عیسا تنها یک بار، یک نفر را شفا می داد، آن وقت او بین افراد تبعیض قائل شده بود. همان طوری که انجیل می گوید او هیچ تبعیضی برای افراد قائل نمی شود، (رومیان ۲: ۱۱) بلکه اراده ی او برای همه ی انسان ها یکسان است و به این دلیل او همه را به یک اندازه دوست دارد. از قلب او محبت، زندگی و قدرت برای هر انسانی جاری است، هر که بخواهد می تواند آن را دریافت کند. او چنین نیست که فقط تعدادی را از یک نسل انتخاب کند، بلکه او اجازه می دهد که فیض اش بر همه جاری شود. فیض او زندگی است، فیض او قدرت است، نور عدالت است که با شفا بر تو طلوع می کند.

## کلام خدا شفا است

آیا تو با مردمی سرو کار داری که به تو می گویند: "اگر این چیزها را بخوانی و گوش کنی بر تو قضاوت خواهد شد." به تو می گویم هیچ قضاوتی نخواهد بود بلکه تو تشویق شده و روح تو با روح خدا شهادت می دهند و می گویند که: برای من هم امید وجود دارد.

این نبی ها که می گویند خدا از طریق بیماری می خواهد چیزی به تو یاد بدهد، نمی توانند انتظاری را که تو در قلب ات داری، به تو بدهند.



ممکن است پنج، ده یا پانزده سال طول بکشد تا شفا پیدا کنی، ولی این اهمیتی ندارد، مهم این است که می دانی خدا با توست، او تو را رها نکرده است بلکه در کنار تو با فیض اش ایستاده و با دلسوزی و هم دردی و قدرت اش می خواهد برای این مشکل تو کاری انجام دهد.

اجازه نده که نبی های این دنیا، که پر از فکرهای انسانی هستند برای تو تصمیم بگیرند که چه گونه با خدا راه روی، بلکه بگذار تا کلام خدا این کار را انجام دهد. کلام خدا برای تمام بدن ات شفا است، کلام چنین می گوید. (امثال سلیمان ۴: ۲۲) و هم چنین می گوید: کلام خودت شفا است. منظور این است که هر وقت تو با لبهائیت از کلام خدا صحبت کنی، سلامتی و شفا را برای بدن ات مهیا می کنی. (مرقس ۱۱: ۲۳، رومیان ۱۰: ۱۰، یعقوب ۳: ۴-۵)

## "همه چیز" و "همه کس"!

حال می خواهیم به عیسا نگاه کنیم تا ببینیم او چه کرد. به آن محبت و قدرتی که عیسا دارد نگاه کن، آن جا که او مثل یک مکاشفه ی زنده اراده ی پدر جاودانی را به ما نشان می داد تا بدانیم پدر کیست و به این وسیله بتوانیم چیزی را که او برای ما دارد، دریافت کنیم.

عیسا برای شکایت کردن و یا ایراد گرفتن "به جایی نمی رفت" او "به شهرها و روستاها می رفت تا تعلیم دهد." تو باید درباره ی پادشاهی خدا تعلیم بگیری تا بدانی چه چیزی در این حکومت وجود دارد، داشتن تابعیت این حکومت در بر دارنده ی چیست و چه عدالتی و چه تعهدی طبق این قرارداد جدید به عهده ی تو گذاشته شده است.

انجیل می گوید: عیسا راجع به "پادشاهی خدا موعظه می کرد و همه را شفا می داد." اجازه بده روح القدس برای همیشه در روح تو آن چه را خدا در کلامش به تو و برای تو گفته حک کند! که او به همه جا می رفت و هر نوع ناخوشی و بیماری را شفا می داد" (متا ۹: ۳۵-۳۶) نه تنها چند درصدی را بلکه برای هر بیماری امید وجود داشت. برای هر نوع بیماری یک جواب وجود دارد و جواب آن را زمانی که عیسا روی زمین می گشت و مردم را شفا می داد، نشان داد.

"آن گاه عیسا دوازده شاگردش را نزد خود فراخواند و آنان را اقتدار بخشید تا ارواح پلید را بیرون کنند و هر درد و بیماری را شفا دهند." (متا ۱۰: ۱) عیسا می خواست هر کاری را که انجام داد، شاگردان اش نیز انجام دهند. شاگردان زمانی اشتباه می کردند که آن چه در عیسا دیده بودند را انجام نمی دادند. عیسا فقط کاری را می کرد که می دید پدر انجام می دهد، ما نیز باید چیزی را که پسر انجام

داد، انجام دهیم. پسر به ما امر کرده: "به سرتاسر جهان بروید و خبر خوش را به همه ی خلائق موعظه کنید. هر که ایمان آورد و تعمید گیرد، نجات خواهد یافت. اما هر که ایمان نیاورد، محکوم خواهد شد." (مرقس ۱۶: ۱۵-۱۶)

## ذات پدر

"هنگام غروب، همه ی کسانی که بیمارانی مبتلا به امراض گوناگون داشتند، آنان را نزد عیسا آوردند، و او نیز بر یکایک ایشان دست نهاد و شفایشان داد." (لوقا ۴: ۴۰)

آن ها فقط چهار یا پنج نفر نبودند بلکه تمام شهر آمده بودند. در همه جای انجیل دیده می شود که همه ی کسانی که به نزد او می آمدند، آن ها را شفا می داد. به همین شکل ما می توانیم در مورد رسولان بخوانیم. (اعمال رسولان ۵: ۱۶)

من در مورد اورآل رابرتس که یک مبشر بسیار معتبر و قوی در کار شفا است، شنیدم که به شهر مانیلا که یک شهر چند میلیون نفری بوده و در فلیپین می باشد، رفت. او مردمی را دید که برای گوش دادن به او آمده بودند؛ او به آن ها چنین گفت: "خداوند مرا مسح کرده تا دست هایم را روی مریضان شما بگذارم تا آن ها شفا یابند. من می بایست دست هایم را بر تمامی مریض ها بگذارم." مردم تمام مریضان را در مقابل محلی که او ایستاده بود

ردیف کردند، یک صف بسیار طولانی تشکیل شد که تا مرکز شهر ادامه داشت و چهار تا پنج ساعت طول کشید تا او توانست دست هایش را بر تک تک آن ها بگذارد.

این به چه معناست؟ آیا این یک روش است؟ نه، این در واقع قلب عیسا است، این ذات پدر است که برای مردم دلسوزی می کند. نوشته شده که عیسا هر نوع بیماری و ناخوشی را شفا می داد، وقتی او آن ها را می دید، دل اش می سوخت. (متا ۹: ۳۵-۳۶)

شاید به تو گفته شود: درست نیست به این شکل در مورد شفا صحبت کنیم. اما من می گویم: این احمقانه ترین چیزی است که شنیده ام، این همان چیزی است که قلب پدر برایش می تپد. او می خواهد که تو از قدرت روح القدس برای شفای مردم استفاده کنی، او می خواهد با قدرت شفابخش خود فرزندان اش را که در انتظار او هستند، شفا دهد. او می بیند که شیطان چه چیزهایی را از ما دزدیده است. شیطان دنبال این است که بدزدد، بکشد و نابود سازد. (یوحنا ۱۰: ۱۰) او می خواهد سلامتی تو، آرامش، دوستان و هر چیزی را که بتواند از تو بدزدد. ولی جلال بر نام خداوند برای عیسیای مسیح که کارهای او را نابود ساخت و پادشاهی خدا را پایدار کرد. " که می گشت و کارهای نیکو انجام

می داد و همه ی کسانی را که زیر تسلط شیطان بودند آزاد می کرد، برای این که خدا با او بود. .

## او تغییر نکرده است

"خدا با او بود" و او در تو زندگی می کند، بنابراین خدا با توست و همان پزشکی که همه جا می گشت و کارهای نیکو انجام می داد، امروز نیز همان کارها را از طریق بدن اش (کلیسا) انجام می دهد. توجه کن که ما در این باره که تو همین حالا چه احساسی داری صحبت نمی کنیم، ما درباره ی خواست پدر صحبت می کنیم. او می خواهد خواست خود را در روح تو بگنجانند. پس برنامه ریزی می کند که چگونه آن را به تو برساند. اما تو نیز باید بدانی که چگونه پدر به تو نگاه کرده و از تو چه می خواهد؛ این خواست می تواند مربوط به جسم، روح یا سلامتی اجتماعی تو باشد. او آرزو دارد که تو از سلامتی بدن و جان برخوردار باشی. (سوم یوحنا ۲)

در مرقس ۱: ۴۰، یک مرد که از خاندان ابراهیم است نزد عیسا می آید. او فرزند ابراهیم است اما به خاطر بیماری، او را از اجتماع بیرون کرده بودند. در واقع کسی زندگی او را از او دزیده، کسی او را مجبور کرده بود تا در تنهایی و دور از بقیه ی اجتماع زندگی کند. او در یک غار تاریک به سر می برد تا از دیگران دور باشد،

اگر این مرد می خواست که در یک جاده ی معمولی قدم بردارد، می بایست یک تابلو که روی آن نوشته بود "ناپاک" با خودش حمل می کرد و یا می بایست همیشه با خودش یک زنگ به همراه داشت و فریاد می زد: "ناپاک، ناپاک!" تا مردم از او دور شوند. در زمانی که این بیچاره کاملاً از زندگی با خدا دور شده بود، عیسا را ملاقات می کند و هنگامی که عیسا نزدیک این مرد شد، این طور نوشته شده: مرد جذامی به زانو افتاد و گفت: "اگر بخواهی، می توانی مرا پاک سازی!" (آیه ی ۴۰) در واقع او می خواهد بگوید: "من می دانم که خدا قادر مطلق است و قادر به هر کاری است."

این طور دعا نکن! حتا دیوها و روح های ناپاک نیز می دانند که خدا قادر به انجام هر کاری است و وجود دارد، به این دلیل به خود می لرزند. اگر بگویی به قدرت خدای قادر ایمان داری کار چشمگیری نکرده ای. پرسش این جاست که خواست خدا چیست؟ آیا خدا چنین است که بسیار ثروتمند باشد و بگوید هیچ چیز به تو تعلق ندارد؟ نه، این چنین نیست. خدا تمام چیزهایی که در خود داشته از طریق عیسا ی مسیح به ما داده است. چیزی که خدا از طریق عیسا به ما نشان داد، چیزی بود که می خواست به ما بدهد.

عیسا یک بار برای همیشه به کسانی که چنین سوال می کنند: "آیا این اراده ی پدر است؟ آیا این اراده ی پسر است؟ و یا این

اراده ی روح القدس است که مریض ها شفا پیدا کنند؟"، از طریق  
ترحم بر مرد جذامی جواب این پرسش را می دهد. او دست اش را  
به طرف او دراز کرد و گفت: "من می خواهم پس پاک شو" و به این  
وسیله عیسا به همه ی این پرسش ها برای همیشه جواب می دهد  
که: "خدا می خواهد همه را شفا دهد. " بله، او هم می خواهد و هم  
می تواند!

در انجیل نوشته شده عیسا "به هر جا که می رفت کارهای نیکو  
انجام می داد و تمام کسانی را که زیر تسلط شیطان بودند شفا  
داده و آزاد می ساخت."

شفا یک موضوع جزیی نیست که عده ای می خواهند آن را در  
کناری قرار داده و بگویند: بله، چه قدر جالب است که عده ای  
برای مریض ها دعا می کنند، اما مهم تر نجات روح آن هاست.

بله، در رابطه با زندگی ابدی چنین است که روح نجات پیدا  
کند، ولی این جا در روی زمین ما نمی توانیم در مورد چیزهایی که  
خدا گفته فرقی بگذاریم. خدا به شفا به شکل معمولی نگاه  
نمی کند، با توجه به این که عیسا بیش از یک سوم وقت اش را به  
شفا دادن مریض ها اختصاص داده بود، نتیجه می گیریم که این  
امر برایش بی اهمیت نیست. آخرین و مهم ترین چیزی که عیسا  
گفت این بود: "تمامی قدرت در آسمان و بر زمین به من سپرده  
شده است." (متا ۲۸: ۱۸)

”به سرتاسر جهان بروید و خبر خوش را به همه ی خلائق موعظه کنید. هر که ایمان آورد و تعمید گیرد، نجات خواهد یافت. اما هر که ایمان نیاورد، محکوم خواهد شد.“ (مرقس ۱۶: ۱۵-۱۶)

## قدرت معجزات

در کلیسای خدا زمانی خواهد آمد که، مقابل چشمان ما مردمی که فلج هستند، شفا پیدا کنند. شیطان به تو خواهد گفت: ”دراین مورد و آن مورد چه خواهد شد، آیا این یک موقعیت ناامید کننده نیست؟“

اما هنگامی که روح القدس یگانه با خواست خداوند در قلب های ما این انتظار را به وجود می آورد، آن وقت است که معجزه یک چیز معمولی نیست.

من از زنی که یک مبشر بود و خداوند از او به شکل خوبی استفاده می کرد، شنیدم که وی برای یک زن معتاد به الکل که می خواست نجات پیدا کند، دعا کرد. پس از این که زن معتاد به الکل ایمان آورد، نجات پیدا کرد. سپس زن چنین گفت: ”فردا فرزندم را که مادرزاد به علت وجود الکل در رحم من، بیمار است به این جا خواهیم آورد تا شفا پیدا کند.“ زن مبشر ترسید چون این بچه فقط یک دست داشت و به جای دست دیگر یک تکه ی کوچک گوشت به شانه اش آویزان بود.



زمان دعا رسید و زن با فرزند دوساله اش در آن جا ایستاده بود. زن مبشر جلو آمد و برای بچه تنها در نام عیسا دعا کرد و رفت. او از ترس تمام شب را بیدار بود، دعا کرده و روزه گرفت. پس از تقریباً چهارماه او به همان شهر بازگشت، او شنید که بچه ای در آن منطقه شفا پیدا کرده و فهمید که همان بچه ای بوده که او برایش دعا کرده بود. خداوند را ستایش می کنیم. در عرض سه تا چهار ماه این گوشت کوچکی که به شانه وصل بود شروع به رشد کرده، بزرگ و بزرگ تر شد تا این که یک عضو شد و ادامه داد تا به میچ رسید، چهار نقطه بر روی میچ شروع به رشد کردن کرد و حالت گرفت و انگشتان او شد و انگشتان رشد کرد و ناخن های او بر روی انگشتان او فرم گرفت. پس از چهار ماه یک دست کامل با کف دست با پنج انگشت و پنج ناخن تشکیل یافت!

برای خدا غیرممکن وجود ندارد! او می خواهد در هر موقعیتی که باشی به تو کمک کند. نگو که او تنها می تواند سرماخوردگی تو را شفا دهد. او می تواند و می خواهد بیش از این ها برایت انجام دهد.

زمانی که ایمان در تو رشد می کند، روح القدس به شکل خارق العاده ای - از میان من و تو - جاری می شود و معجزات که یک چیز معمولی نیست انجام می گیرد و این به این دلیل است که دنیا

باید ببینند که عیسا زنده است. انسان ها در دنیای روحانی مرده اند، آن ها نمی توانند آن طور که ما صدای پدر را می شنویم، بشنوند. آن ها باید با چشم های خود ببینند و زمانی که می بینند خدا چه کارهایی از طریق عیسا مسیح انجام می دهد، فریاد می زنند: "من هم آن را می خواهم. من نمی خواهم در این حالت که هستم ادامه دهم" و به این شکل وارد پادشاهی خدا می شوند.

## بدون شفا، مژده ی نجات کامل نیست

شفا یک موضوع جزئی نیست. این یک قسمت از بشارت انجیل نجات است. بشارت، نجات انسان ها را در روح، جان و بدن اصلاح می کند. کلمه ی "نجات" در زبان یونانی (SOZO) معنی شفا نیز می دهد. انجیل تفاوتی میان ظاهر و باطن نمی گذارد. در بعضی نقاط نوشته شده "شفا می داد" و بعضی بخش ها "نجات می داد"؛ فرقی وجود ندارد، کلمه ی شفا جزئی از بشارت انجیل است.

عیسا تمام مدت مشغول شفا دادن بود. شفا یک موضوع جزئی نیست و بخشی از عمل آشتی ما با خداست. نوشته شده که عیسا اشتباهات و بیماری های تو را به خود گرفت.

چیزی که او در جلجتا بر خود حمل کرد، امروز در مورد تو صدق می کند نه زمانی که به آسمان می آیی، بلکه امروز.

گناهان تو بخشیده شده و اشتباهات ات اصلاح گشته! دقیقاً همان لغت به زبان عبرانی که می گوید او اشتباهات تو را بر خود حمل کرد، در مورد بیماری ها و ضعف های تو نیز استفاده شده و نوشته شده که از طریق زخم های او تو شفا پیدا کرده ای. در محل جلجتا یک عمل دوگانه رخ داده: بهای گناهان و بیماری های تو هر دو پرداخت شده، قدرت آن ها بر روی انسان ها از طریق مرگ عیسا شکسته شده تا مرگ او برای تو زندگی شود. (اول پطرس ۲: ۲۴)

شفا جزوی از وعده ی قدیم و هم چنین وعده ی جدید می باشد. شفا نامی از نام های خداست او در کلامش می گوید که من یهوه شفا دهنده هستم. (سفر خروج ۱۵: ۲۶) شفا یک نشانه از شخصیت پدر است و بخشی از برنامه ی کلیسا و یکی از آیین های کلیسایی می باشد.

گواهان بسیاری وجود دارند که مردم در زمان غسل تعمید شفا پیدا کرده اند. شفا قسمتی از برنامه ی خداوند در کلیسا می باشد، که می گوید دستهایتان را بر روی مریض بگذارید. (مرقس ۱۶: ۱۵-۱۸)

شفا بخشی از مسح کردن مریض به وسیله ی روغن می باشد تا آن ها سالم شوند. (یعقوب ۵: ۱۴) شامل اعتراف به گناهان ما برای همدیگر نیز می باشد که به این وسیله خداوند به ما شفا

می دهد. (یعقوب ۵: ۱۶) شامل این که با ایمان دعا کنیم تا مریضان شفا پیدا کنند. (یعقوب ۵: ۱۵) شفا جزیی از هدایای روحانی خداوند می باشد. تنها هدیه ای که به صورت جمع در انجیل ذکر شده هدایای شفا می باشد. (اول قرنیتیان ۱۲: ۹) خدا می داند که ما به آن ها نیاز داریم و به این دلیل با کلمات خود و روح خود برای ما تکرار می کند.

## خدا می خواهد تو را شفا دهد!

خدا می خواهد که همه را شفا دهد، حتا تو را. تو می توانی خود را جزو همه محسوب کنی. اگر در انجیل نوشته شده بود که عیسا تعدادی را شفا داد، شاید برایت مشکل بود که خود را بخشی از آن ها بدانی. اما می بینیم که نوشته شده "او همه را شفا داد"، و همه به معنای همه است و تو نیز جزوی از همه می باشی. اکنون عیسا به تو می گوید: "من می خواهم، پس آیا تو هم می خواهی پاک شوی؟"

بیایید اعتراف کنیم که عیسیای گرانقدری که ما این همه دوست اش داریم، فقط خداوند و نجات دهنده ی ما نیست، بلکه شفا دهنده ی ما نیز می باشد:

"عیسا، تشکر می کنم برای همه ی بیمارانی که تو شفا دادی و خواهان شفای من هستی. اکنون من شهادت می دهم که عیسا! توشفا

دهنده ی من هستی. تو طبیب من هستی. کلام تو داروی من و روح تو سلامتی برای من است. هنگامی که تو به من نگاه می کنی و شاد هستی برای این که من سلامتی کامل در جان و بدن ام دارم، افتخارش از آن خداست و مردم دنیا خواهند فهمید که عیسا زنده است! آمین.

## کلام خدا را با خود داشته باش!

برای این که بتوانی شفا را در زندگی ات دریافت کنی، نیاز داری در قلب ات احساس کنی که خدا می خواهد حقیقتاً تو را شفا دهد.

به آموزش ها گوش فراده و کتاب هایی که در این مورد نوشته شده بخوان، و از همه مهم تر کلام خداوند را تکرار کن. در این جا برخی از آیه های انجیل که تو می توانی آن را در قلب ات جای دهی و به آن ها فکر کنی و با صدای بلند تکرار کنی را برایت می نویسم!

آن ها را حفظ کن!

"...من بیهوش، شفا دهنده یتو هستم." (خروج ۱۵: ۲۶)

"ای جان من خداوند را متبارک بخوان و جمیع احسان های او را فراموش مکن! که تمام گناهانت را می آمرزد و همه ی مرض های تو را شفا می بخشد." (مزامیر ۱۰۳: ۲-۳)

”آن گاه در تنگی خود نزد خداوند فریاد برآوردند و ایشان را از تنگی های ایشان رهایی بخشید. کلام خود را فرستاده ایشان را شفا بخشید و ایشان را از هلاکت های ایشان رهانید.” (مزامیر ۱۰۷: ۱۹-۲۰)

”ای پسر من، به سخنان من توجه نما و گوش خود را به کلمات من فراگیر. زیرا هر که آن ها را بیابد برای او حیات است، و برای تمام جسد او شفا می باشد.” (امثال ۴: ۲۰: ۲۲)

”لکن او غم های ما را بر خود گرفت و دردهای ما را بر خویش حمل نمود. و ما او را از جانب خدا زحمت کشیده و مضروب و مبتلا گمان بردیم. و حال آن که به سبب تقصیرهای ما مجروح و به سبب گناهان ما کوفته گردید. و تادیب سلامتی ما بر وی آمد و از زخم های او ما شفایافتیم.” (اشعیا ۵۳: ۴-۵)

”هر آن چه خداوند خواست، آن را کرد، در آسمان و در زمین و در دریا و در همه ی لجه ها.” (مزامیر ۱۳۵: ۶)

”من می خواهم، پاک شو!” (متا ۲: ۳)

”مطابق ایمان ات، به تو داده شود.” (متا ۸: ۱۳)

”... تمام بیماران را شفا می داد، تا پیشگویی اشعیا ی نبی تحقق یابد که گفته بود: ”او ضعف های ما را برداشت و مرض های ما را از ما دور ساخت.” (متا ۸: ۱۶، ۱۷)

”وقتی که عیسا ایمان آنان را دیده به آن مرد مفلوج گفت: ”پسرم، دل قوی دار، گناهان ات آمرزیده شد... برخیز” (متا ۹: ۲، ۶)

”دخترم، دل قوی دار! ایمان ات تو را شفاداده است. از آن ساعت، زن شفا یافت.” (متا ۹: ۲۲)

”عیسا در همه ی شهرها و روستاها گشته، در کنیسه های آن ها تعلیم می داد و بشارت پادشاهی را اعلام می کرد و هر درد و بیماری را شفا می بخشید.“ (متا ۹: ۳۵)

”بیماران را شفا دهید، مردگان را زنده کنید، جذامیان را پاک سازید و دیوها را بیرون کنید. به رایگان یافته اید، رایگان هم بدهید.“ (متا ۱۰: ۸)

”... عده ی بسیاری از پی او رفتند و او جمیع ایشان را شفا بخشید.“ (متا ۱۲: ۱۵)

”... و کسانی را به تمامی آن نواحی فرستاده، بیماران را نزدش آوردند... و هر که لمس می کرد، شفا می یافت.“ (متا ۱۴: ۳۵-۳۶)

”اگر ایمان داشته باشید، هر آن چه در دعا درخواست کنید، خواهید یافت.“ (متا ۲۱: ۲۲)

”نترس، فقط ایمان داشته باش.“ (مرقس ۵: ۳۶)

”اگر می توانی؟ برای کسی که ایمان دارد همه چیز ممکن است.“ (مرقس ۹: ۲۳)

”- چه می خواهی برایت بکنم؟“

”- استاد، می خواهم بینا شوم.“

”- برو، که ایمان ات تو را شفا داده است.“ (مرقس ۱۰: ۵۱-۵۲)

”هر آن چه در دعا درخواست کنید، ایمان داشته باشید که آن را یافته اید، و از آن شما خواهد بود.“ (مرقس ۱۱: ۲۴)

”زیرا نزد خدا هیچ امری ناممکن نیست!“ (لوقا ۱: ۳۷)

”دزد نمی آید جز برای دزدیدن و کشتن و نابود کردن؛ من آمده ام تا ایشان حیات داشته باشند و از آن به فراوانی بهره مند شوند.“ (یوحنا ۱۰: ۱۰)

”... و همه شفا می یافتند.“ (اعمال ۵: ۱۶)

”اما پطرس به وی گفت: مرا زر و سیم نیست، اما آن چه دارم به تو می دهم! به نام عیسیای مسیح ناصری برخیز و راه برو!“ (اعمال ۳: ۶)

”و چگونه خدا عیسیای ناصری را با روح القدس و قدرت مسح کرد، به گونه ای که همه جا می گشت و کارهای نیکو می کرد و همه ی آنان را که زیر ستم ابلیس بودند، شفا می داد، از آن رو که خدا با او بود.“ (اعمال ۱۰: ۳۸)

”اگر روح او که عیسا را از مردگان برخیزانید در شما ساکن باشد، او که مسیح را از مردگان برخیزانید حتا به بدن های فانی شما نیز حیات خواهد بخشید. او این را به واسطه ی روح خود انجام خواهد داد که در شما ساکن است.“ (رومیان ۸: ۱۱)

”او گناهان ما را در بدن خویش بر دار حمل کرد، تا برای گناهان بمیریم و برای پارسایی زیست کنیم، همان که به زخم هایش شفا یافته اید.“ (اول پطرس ۲: ۲۴)

”هر بخشش نیکو و هر عطای کامل از بالاست، نازل شده از پدر نورهای آسمان که در او نه تغییری است و نه سایه ی ناشی از دگرگونی.“ (یعقوب ۱: ۱۷)